

بررسی اثربخشی تئاتر پداگوژیک (تعلیم و تربیتی) بر هوش هیجانی و اجتماعی کودکان

هلیا طایفه مهدی‌خان^۱
حسین احدی^۲
مسعود دلخواه^۳
هادی بهرامی^۴
فریبرز باقری^۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی تئاتر پداگوژیک (تعلیم و تربیتی) بر هوش هیجانی و اجتماعی کودکان بود. این پژوهش تجربی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه پژوهش کودکان ۷-۱۲ ساله شهر تهران در سال ۱۳۹۶ بودند که از میان آنها ۴۰ کودک با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب و به صورت تصادفی در گروه‌های آزمایش و کنترل جایگزین شدند. گروه آزمایش ۱۰ جلسه ۵۰ دقیقه‌ای با روش تئاتر پداگوژیک آموزش دید. گروه‌ها پرسشنامه‌های هوش هیجانی (شوت و همکاران، ۱۹۹۸) و هوش اجتماعی ترومسو (سیلورا و همکاران، ۲۰۰۱) را تکمیل کردند. داده‌ها به کمک نرم‌افزار SPSS-۲۰ و با روش مانکووا تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بین گروه‌های آزمایش و کنترل در هر دو متغیر هوش هیجانی و اجتماعی کودکان تفاوت معناداری وجود داشت. به عبارت دیگر تئاتر پداگوژیک باعث افزایش معنادار هوش هیجانی و اجتماعی کودکان شد ($P > 0/05$). نتایج حاکی از اهمیت تئاتر پداگوژیک در بهبود هوش هیجانی و اجتماعی کودکان بود.

واژه‌های کلیدی: تئاتر پداگوژیک، هوش هیجانی، هوش اجتماعی، کودکان

۱. دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. استاد، گروه روانشناسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) drhahadi5@gmail.com
۳. استادیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۴. استاد، گروه روانشناسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۵. دانشیار، گروه روانشناسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

دیدگاه‌های سنتی هوش عمدتاً به عنوان یک مفهوم تک بعدی و به معنای توانایی تفکر انتزاعی و توانایی‌های شناختی تعریف کردند، اما دیدگاه‌های جدید هوش را به انواع مختلف تقسیم کردند که یکی از انواع آنها، هوش هیجانی^۱ است (کلی و کمینسکین^۲، ۲۰۱۶). هوش هیجانی اصطلاحی است که توسط سالوی و مایر^۳ در اواخر قرن ۲۰ در مجامع علمی مطرح شد. از نظر آنان هوش هیجانی عامل درک احساسات، دستیابی به احساسات و یا بازتولید احساسی به منظور همیاری ادراکی، شناخت احساسات و بار معنایی آنها و تفکر در مورد فلسفه به گونه‌ای که احساسات را ارتقاء و ادراک را پرورش دهد، می‌باشد (به نقل از کوزلوسکی، هاتچینسون، هارلی و براون^۴، ۲۰۱۸). هوش هیجانی مجموعه‌ای از توانایی‌های به هم پیوسته است که به فرد کمک می‌کند تا با درک، ارزیابی و بیان دقیق هیجان‌ها از احساساتی که افکار را تسهیل می‌نمایند، آگاهی یابد و با برقراری تعادل میان افکار و هیجان‌های خود، تصمیم‌گیری‌های عاقلانه و رفتاری مسئولانه داشته باشد (هندون، پاول و ویمیر^۵، ۲۰۱۷). هوش هیجانی مجموعه‌ای از مهارت‌ها، استعدادها و توانایی‌های غیرشناختی است که توانایی فرد را در مقابله با فشارها و اقتضاهای محیط افزایش می‌دهد (بار-ان^۶، ۲۰۰۰). در تعریفی دیگر هوش هیجانی توانایی تشخیص هیجان خود و دیگران و تنظیم هیجان‌ها در موقعیت اجتماعی است (میکولاجزاک و ون‌بلیگن^۷، ۲۰۱۷). افراد با توانمندی هیجانی بهتر می‌توانند با چالش‌های زندگی روبرو شوند و هیجان‌ها را به گونه موثرتری تنظیم کنند و سلامت روانی و روابط اجتماعی بهتری داشته باشند (لینگ، رین، گائو و شوگ^۸، ۲۰۱۸). یکی دیگر از انواع هوش، هوش اجتماعی^۹ است که نشان‌دهنده قابلیت‌ها و توانایی‌های فردی می‌باشد و به خوب کنار آمدن با دیگران و روابط اجتماعی موفق منجر می‌شود (لوفلین و باری^{۱۰}، ۲۰۱۶). هوش اجتماعی در دهه دوم قرن ۱۹ توسط ثرن‌دایک^{۱۱} به‌عنوان توانایی ذهنی متمایز از سایر انواع هوش مطرح شد (راهیم، سیولک و لیانگ^{۱۲}، ۲۰۱۵). این سازه به معنای توانایی درک و مدیریت دیگران و رفتار خردمندانه در تعامل با دیگران می‌باشد (فرانکوفسکی و بیرکنرووا^{۱۳}، ۲۰۱۴). هوش اجتماعی خوب برخورد کردن با دیگران و به دست آوردن همکاری آنها است و این هوش شامل آگاهی از موقعیت‌ها و سیستم رفتار اجتماعی می‌باشد که آنها را کنترل می‌کند و یک دانش از سبک‌های تعامل و استراتژی‌هایی است که می‌تواند به یک شخص در انجام موفق اهداف در برخورد با دیگران کمک کند (مالتیس، الیسی و الو^{۱۴}، ۲۰۱۲). هوش اجتماعی توانایی مهمی در درک و تعامل کارآمد با دیگران است و شامل دو بعد آگاهی اجتماعی و تسهیل اجتماعی می‌باشد. آگاهی اجتماعی دربرگیرنده همدلی

1. emotional intelligence
2. Kelly & Kaminskiene
3. Salovey & Mayer
4. Kozlowski, Hutchinson, Hurley & Browne
5. Hendon, Powell & Wimmer
6. Bar-On
7. Mikolajczak & VanBellegen
8. Ling, Raine, Gao & Schug
9. social intelligence
10. Loflin & Barry
11. Thorendick
12. Rahim, Civelek & Liang
13. Frankovsky & Birknerova
14. Maltese, Alesi & Alu

اولیه، موافقت، دقت همدلانه و شناخت اجتماعی و تسهیل اجتماعی دربرگیرنده انطباق، معرفی خود، تاثیرگذاری و نگرانی است (لی، چنگ، لیو و لین، ۲۰۱۴).

برای بهبود هوش برنامه‌ها و مداخله‌های مختلف و متنوعی وجود دارد که از آنها تئاتر پداگوژیک^۲ یا تعلیم و تربیتی است. تئاتر پداگوژیک به آن دسته از نمایش‌هایی اطلاق می‌شود که روند تمرین‌ها و تاثیرهای آن روی شرکت‌کنندگان مهم‌ترین ویژگی آن است (بیلو، ۲۰۱۶). موضوع تئاترها را نیازها و دغدغه‌های گروه هدف (در پژوهش حاضر کودکان) تشکیل می‌دهد و انتخاب آن با مشارکت همه شرکت‌کنندگان و با صلاح‌دید متخصص آموزش‌دهنده (پداگوگه) صورت می‌پذیرد (سیده، ۱۳۸۹). یکی از ویژگی‌های مهم این شیوه آموزشی ساحت بیدارکننده و تعلیم‌دهنده آن است که با تکیه بر آن می‌توان به تعلیم و تربیت پرداخت. در این شیوه پس از مشاهده تئاتر از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود تا درباره آن چه روی صحنه دیدند، فکر کنند، ارزیابی کنند، تصمیم بگیرند و سپس به جامعه واقعی برگردند و شرایط نامطلوب را تغییر دهند (برشت، ۲۰۱۱). تئاتر پداگوژیک مبتنی بر خلاقیت است به گونه‌ای که برخی صاحب‌نظران و متخصصان آن را در حوزه نمایش خلاق^۵ قرار می‌دهند و آن را ترکیبی از تئاتر و تعلیم و تربیت می‌دانند که در آن فرایند کار نتیجه و محصول آن است. بنابراین در این نمایش هدف مربی یا کارگردان الزاما دستیابی به شکل پایانی اجرا برای عرضه به تماشاگران نیست، بلکه این شیوه تئاتری فعالیتی جاری، نمادین و برانگیزاننده است که در زمان حال روی می‌دهد و بداهه‌سازی در این نوع نمایش اهمیتی خاص دارد. در نتیجه تعامل و مشارکت افراد گروه در طول تمرین اهمیت دارد و همین تعامل و مشارکت است که موجب تغییر در رفتار و نگرش مشارکت‌کنندگان می‌شود (سرسنگی و امینی، ۱۳۸۸).

نتایج پژوهش‌ها حاکی از تاثیر تئاتر بر بهبود هوش می‌باشد. برای مثال دلبوداک و کوسال^۶ (۲۰۱۵) ضمن پژوهشی درباره تاثیر آموزش نمایش بر هوش‌های چندگانه کودکان پایه پنجم به این نتیجه رسیدند که نمایش باعث بهبود هوش زبانی-کلامی، منطقی-ریاضی، بصری-فضایی، بدنی-جنبشی، موسیقیایی، بین‌فردی-اجتماعی، درون‌فردی و طبیعت‌گرایی شد. فرام^۷ (۲۰۱۵) ضمن پژوهشی درباره تئاتر و هوش هیجانی به این نتیجه رسید که تئاتر می‌تواند باعث بهبود هوش هیجانی شود. همچنین گوراب زرمخی و میرزمانی (۱۳۹۶) ضمن پژوهشی درباره آموزش نمایش خلاق بر اختلالات رفتاری و هوش هیجانی به این نتیجه رسیدند که آموزش نمایش خلاق باعث کاهش اختلالات رفتاری و افزایش هوش هیجانی کودکان پیش‌دبستانی شد. مامی و امیریان (۱۳۹۵) ضمن پژوهشی با عنوان تاثیر نمایش خلاق بر سازگاری اجتماعی، قضاوت اخلاقی و خلاقیت دانش‌آموزان به این نتیجه رسیدند که ده جلسه نمایش خلاق باعث بهبود سازگاری اجتماعی، قضاوت اخلاقی و خلاقیت دانش‌آموزان دختر پایه چهارم مقطع ابتدایی شد. در پژوهشی دیگر داداش‌زاده و پیرخانی (۱۳۹۴) گزارش کردند که استفاده از روش‌های قصه‌گویی نقش موثری در افزایش هوش اجتماعی دانش‌آموزان دختر مقطع چهارم و پنجم ابتدایی داشت. صبوری، عباسی و گرامی‌پور (۱۳۹۴) ضمن پژوهشی گزارش کردند که نمایش خلاق

1. Li, Chen, Liou & Lin
2. pedagogical theater
3. Below
4. Brecht
5. creative drama
6. Dalbudak & Koksall
7. Fromm

باعث رشد مهارت‌های حل مساله ترکیبی برگرفته از خرده‌آزمون‌های هوش و کسلر شامل درک مطلب، فراخوانی ارقام، طراحی مکعب‌ها و شباهت‌ها و خرده‌آزمون خلاقیت تورنس در دختران پیش‌دبستان استان تهران شد. علاوه بر آن عسگری، احمدی طهور سلطانی و یلفانی (۱۳۹۳) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که آموزش نمایش خلاق بر بهبود خلاقیت و خرده‌مقیاس‌های آن شامل سیالی، ابتکار و تخیل تاثیر معناداری داشت. در پژوهشی دیگر ارغوانی‌فرد (۱۳۸۵) گزارش کرد که نقش آفرینی و فعالیت‌های نمایش خلاق کودکان پیش‌دبستانی نقش موثری بر تحول عاطفی-اجتماعی از جمله هوش اجتماعی آنان داشت.

بررسی‌ها حاکی از آن است که هوش نقش مهمی در بسیاری از ویژگی‌های روانشناختی و شخصیتی دارد و به همین خاطر انجام پژوهش‌هایی با هدف ارتقاء هوش اهمیت زیادی دارند. همچنین کودکان در سن رشد قرار دارند و مدیریت جامعه در آینده‌ای نزدیک در دست آنهاست. در نتیجه ارتقاء هوش آنها به‌ویژه هوش هیجانی و هوش اجتماعی آنان نقش مهمی در بهبود وضعیت جامعه دارد. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی تئاتر پداگوژیک (تعلیم و تربیتی) بر هوش هیجانی و اجتماعی کودکان بود.

روش پژوهش

این پژوهش تجربی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه پژوهش کودکان ۷-۱۲ ساله شهر تهران در سال ۱۳۹۶ بودند که از میان آنها ۴۰ کودک با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب و به‌صورت تصادفی در گروه‌های آزمایش و کنترل (۲۰ نفر گروه تئاتر پداگوژیک و ۲۰ نفر گروه کنترل) جایگزین شدند. در این روش نمونه‌گیری ابتدا شهر تهران به پنج ناحیه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکزی تقسیم و نمونه‌گیری به صورت تصادفی از مدارس ابتدایی دخترانه و پسرانه انجام شد. از هر ناحیه یک مدرسه ابتدایی پسرانه و یک مدرسه ابتدایی دخترانه انتخاب و از میان دانش‌آموزان ابتدایی تعداد ۴۰ دانش‌آموز (۲۰ پسر و ۲۰ دختر) به روش تصادفی انتخاب شد. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل دانش‌آموز سوم تا ششم ابتدایی بودن، داشتن سن ۷-۱۲ سال، برخوردار بودن از سلامت جسمی و امضای رضایت‌نامه شرکت در پژوهش و ملاک‌های خروج از پژوهش شامل غیبت دو جلسه و بیشتر و عدم تکمیل پرسشنامه‌ها به صورت کامل بود. گروه آزمایش ۱۰ جلسه ۵۰ دقیقه‌ای در یکی از مدارس شهر تهران با تحت آموزش تئاتر پداگوژیک (تعلیم و تربیتی) قرار گرفت و گروه کنترل هیچ آموزشی دریافت نکرد. گروه‌های آزمایش و کنترل در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون به ابزارهای زیر پاسخ دادند.

پرسشنامه هوش هیجانی^۱: این پرسشنامه توسط شوت، ملوف، هال، هاگرتی، کوپر^۲ و همکاران در سال ۱۹۹۸ ساخته شد. این ابزار دارای ۳۳ گویه است که با استفاده از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (۱=کاملاً نادرست تا ۵=کاملاً درست) نمره‌گذاری می‌شود. نمره ابزار از طریق مجموع نمره گویه‌ها به دست می‌آید، لذا دامنه نمرات بین ۳۳ تا ۱۶۵ است و نمره بالاتر به معنای هوش هیجانی بیشتر می‌باشد. شوت و همکاران (۱۹۹۸) روایی ابزار را با نظر متخصصان تایید و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۵ گزارش کردند. همچنین محمدخانی و باش‌قره (۱۳۸۷) پایایی ابزار را با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۶ گزارش کردند. در پژوهش حاضر پایایی با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۴ محاسبه شد.

1. emotional intelligence questionnaire

2. Schutte, Malouff, Hall, Haggerty & Cooper

پرسشنامه هوش اجتماعی ترومسو^۱: این پرسشنامه توسط سیلورا، مارتینوسن و داهل^۲ در سال ۲۰۰۱ ساخته شد. این ابزار دارای ۲۱ گویه است که با استفاده از مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت (۱=کاملاً مخالفم تا ۷=کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. نمره این ابزار با مجموع نمره گویه‌ها به دست می‌آید، لذا دامنه نمرات بین ۲۱ تا ۱۴۷ است و نمره بالاتر به معنای هوش اجتماعی بیشتر می‌باشد. سیلورا و همکاران (۲۰۰۱) روایی ابزار را با روش تحلیل عاملی تایید و پایایی آن را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ گزارش کردند. همچنین طاهری، سهیلی و پورشهریاری (۱۳۹۶) پایایی ابزار را با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۳ گزارش کردند. در پژوهش حاضر پایایی با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۷ محاسبه شد. داده‌ها به کمک نرم‌افزار SPSS-۲۰ و با استفاده از شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی برای توصیف توزیع متغیرها و استفاده از مانکوا برای آزمون فرض‌های آماری تحلیل شدند.

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر ۴۰ کودک (هر گروه ۲۰ کودک) حضور داشتند که در گروه آزمایش ۶ نفر در پایه سوم (۳۰ درصد)، ۴ نفر در پایه چهارم (۲۰ درصد)، ۵ نفر در پایه پنجم (۲۵ درصد) و ۵ نفر در پایه ششم (۲۵ درصد) و در گروه کنترل ۵ نفر در پایه سوم (۲۵ درصد)، ۵ نفر در پایه چهارم (۲۵ درصد)، ۶ نفر در پایه پنجم (۳۰ درصد) و ۴ نفر در پایه ششم (۲۰ درصد) مشغول به تحصیل بودند. همچنین در گروه آزمایش ۱۲ نفر پسر (۶۰ درصد) و ۸ نفر دختر (۴۰ درصد) و در گروه کنترل ۱۱ نفر پسر (۵۵ درصد) و ۹ نفر دختر (۴۵ درصد) بودند. میانگین و انحراف معیار هوش هیجانی و اجتماعی کودکان گروه‌های آزمایش و کنترل در مراحل ارزیابی در جدول ۱ ارائه شد.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار هوش هیجانی و اجتماعی کودکان گروه‌ها در مراحل ارزیابی

متغیرها/گروه‌ها		گروه آزمایش		گروه کنترل	
	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	
	SD	M	SD	M	
هوش هیجانی	۱۱۷/۸۵	۱۱/۲۶	۱۱۷/۳۸	۱۱۶/۹۰	۱۱/۳۹
هوش اجتماعی	۷۸/۲۴	۸/۲۲	۸/۳۴	۷۶/۳۸	۸/۲۱

در جدول ۱ میانگین و انحراف معیار هوش هیجانی و اجتماعی کودکان گروه‌های آزمایش و کنترل در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون قابل مشاهده است. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف معنادار نبود، لذا پیش‌فرض نرمال بودن تایید شد. نتایج آزمون‌های M باکس و لوین معنادار نبودند، لذا به ترتیب پیش‌فرض‌های برابری ماتریس‌های واریانس-کوواریانس و برابری واریانس‌ها تایید شد. نتایج آزمون کرویت بارتلت معنادار بود، لذا پیش‌فرض همبستگی کافی بین متغیرهای وابسته تایید شد. در جدول ۲ نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری برای بررسی اثربخشی تأثیر پداگوژیک بر هوش هیجانی و اجتماعی کودکان ارائه شد.

1. Tromso social intelligence questionnaire

2. Silvera, Martinussen & Dahl

جدول ۲. نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری برای بررسی اثربخشی تئاتر پداگوژیک بر هوش هیجانی و اجتماعی کودکان

اثر	آزمون‌ها	مقدار	آماره F	معناداری	مجذور اِتا
	اثر پیلایی	۰/۶۶	۱۵/۴۱	۰/۰۰۱	۰/۴۲
تئاتر پداگوژیک	لامبدای ویلکز	۰/۳۳	۱۵/۴۱	۰/۰۰۱	۰/۴۲
	اثر هاتلینگ	۱/۹۸	۱۵/۴۱	۰/۰۰۱	۰/۴۲
	بزرگترین ریشه روی	۱/۹۸	۱۵/۴۱	۰/۰۰۱	۰/۴۲

بر اساس نتایج جدول ۲، بین گروه‌های آزمایش و کنترل حداقل در یکی از متغیرهای هوش هیجانی و اجتماعی کودکان تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر تئاتر پداگوژیک حداقل بر یکی از متغیرهای هوش هیجانی و اجتماعی کودکان تاثیر معنادار داشته است ($P > 0/001$). در جدول ۳ نتایج تحلیل کوواریانس تک‌متغیری در متن تحلیل کوواریانس چندمتغیری برای بررسی اثربخشی تئاتر پداگوژیک بر هوش هیجانی و اجتماعی کودکان به تفکیک ارائه شد.

جدول ۳. نتایج تحلیل کوواریانس تک‌متغیری در متن تحلیل کوواریانس چندمتغیری برای بررسی اثربخشی تئاتر پداگوژیک بر هوش هیجانی و اجتماعی کودکان به تفکیک

متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	معناداری	مجذور اِتا
هوش هیجانی	۴۹/۹۲	۱	۴۹/۹۲	۱۳/۵۴	۰/۰۰۱	۰/۳۸
هوش اجتماعی	۴۷/۳۵	۱	۴۷/۳۵	۱۲/۹۶	۰/۰۰۱	۰/۳۵

بر اساس نتایج جدول ۳، تئاتر پداگوژیک اثر معناداری بر هر دو متغیر هوش هیجانی و اجتماعی کودکان دارد. به عبارت دیگر تئاتر پداگوژیک باعث افزایش هوش هیجانی ($F=13/54, p>0/001$) و هوش اجتماعی ($F=12/96, p>0/001$) کودکان شد.

بحث و نتیجه‌گیری

کودکان در سن رشد قرار دارند و مدیریت جامعه در آینده‌ای نزدیک در دست آنهاست، لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی تئاتر پداگوژیک (تعلیم و تربیتی) بر هوش هیجانی و اجتماعی کودکان انجام شد.

نتایج نشان داد تئاتر پداگوژیک باعث افزایش هوش هیجانی کودکان شد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های قبلی در این زمینه همسو بود (فرام، ۲۰۱۵ و گوراب زرمخی و میرزمانی، ۱۳۹۶). برای مثال فرام (۲۰۱۵) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسید که تئاتر باعث بهبود هوش هیجانی شد. در تبیین این یافته می‌توان گفت کودکانی که احساسات خود را به شیوه‌های ایمن و مناسب در میان می‌گذارند، احساس خوبی در مورد خودشان دارند. در میان گذاشتن احساسات به کودکان حس کنترل بر اتفاقات ناگوار زندگی را می‌دهد. در جلسات تئاتر پداگوژیک سعی شد تا به کودکان برای شناخت بیشتر خودشان کمک شود. کودکان به سرعت نقش‌های گوناگون شخصیت خود را درمی‌یافتند. برخی از نقش‌های گوناگون شخصیت شامل خشم، غم، شادی و محبوب می‌باشند. در جلسات به کودکان در مورد نقش‌های گوناگونی که در کودکان است، مطالب زیادی یاد داده شد و کودکان با یادگیری نقش‌های آموختند که مسئولیت رفتار خود را بر عهده بگیرند. آنها یاد گرفتند که احساسات خود را به

شیوه‌ای رضایت‌بخش ابراز نمایند که سبب رضایت خاطر آنها شود. همچنین آنها یاد گرفتند که در قبال رفتارهای اجتماعی خود مسئول باشند و تلاش کنند در آینده رفتار بهتر و مناسب‌تری داشته باشند که همه این عوامل از طریق شناخت هیجان‌های خود و دیگران، کنترل هیجان‌ها و مدیریت و تنظیم هیجان‌ها باعث بهبود و ارتقای هوش هیجانی می‌شوند.

همچنین نتایج نشان داد تئاتر پداگوژیک باعث افزایش هوش اجتماعی کودکان شد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های قبلی در این زمینه همسو بود (دلبوداک و کوسال، ۲۰۱۵؛ داداش‌زاده و پیرخائفی، ۱۳۹۴ و ارغوانی‌فرد، ۱۳۸۵). برای مثال دلبوداک و کوسال (۲۰۱۵) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که آموزش نمایش باعث بهبود هوش بین‌فردی-اجتماعی شد. در پژوهشی دیگر داداش‌زاده و پیرخائفی (۱۳۹۴) گزارش کردند که استفاده از روش‌های قصه‌گویی نقش موثری در افزایش هوش اجتماعی دانش‌آموزان داشت. همچنین ارغوانی‌فرد (۱۳۸۵) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسید که نقش‌آفرینی و فعالیت‌های نمایش خلاق تاثیر مثبتی بر بهبود تحول عاطفی-اجتماعی از جمله هوش اجتماعی کودکان داشت. در تبیین این یافته می‌توان گفت که کنترل هیجان‌های ایجاد شده در موقعیت‌های استرس‌زا برای داشتن عملکرد مطلوب ضروری است. در تئاتر پداگوژیک تماشاگر هیچ‌گاه اطمینان نمی‌یابد چه چیز واقعی، اصیل، شخصی یا خیالی است. این دوگانگی منجر به پذیرش نسبی شخصیت بر صحنه می‌شود و باعث می‌گردد تا تماشاگر با عمق و دقت بیشتری به اتفاقات توجه نماید. همچنین در این شیوه آموزشی جوی هیجان‌انگیز و آزمایشگاهی ایجاد می‌شود که اجرای یک تئاتر در فضای هنرمندانه را تقویت می‌کند. همچنین در جریان تئاتر پداگوژیک تلاش شد فرصت‌هایی را در اختیار کودکان قرار داد تا مستقیماً درباره آزردهی‌ها و رنجش‌هایی که متحمل شدند، صحبت کنند. شنیدن صحبت‌های کودکان دیگر به کودک کمک کرد که بر شرم و احساسا منفی دیگری که دو آنها شکل گرفته، غلبه نمایند و ارتباط خود با دیگران را بهبود بخشند و همکاری آنها را جلب نمایند. در نتیجه عوامل فوق باعث می‌شوند که تئاتر پداگوژیک باعث بهبود هوش اجتماعی شوند.

به طوری کلی نتایج حاکی از اثربخشی تئاتر پداگوژیک بر هوش هیجانی و اجتماعی کودکان بود. پس تئاتر پداگوژیک به‌عنوان یک روش آموزشی قابلیت کاربرد در مراکز آموزشی و درمانی دارد. بنابراین نتایج حاکی از اهمیت تئاتر پداگوژیک در بهبود هوش هیجانی و اجتماعی کودکان بود. در نتیجه مشاوران و درمانگران می‌توانند از شیوه آموزشی مذکور برای بهبود ویژگی‌های شخصیتی و روانشناختی به‌ویژه هوش هیجانی و اجتماعی کودکان استفاده نمایند.

این پژوهش با محدودیت خاصی مواجه نشد، اما از مهمترین چالش‌ها می‌توان به محدود شدن جامعه پژوهش به کودکان شهر تهران، پیشینه پژوهشی اندک و عدم استفاده از مرحله پیگیری برای بررسی تدام اثربخشی تئاتر پداگوژیک بر هوش هیجانی و اجتماعی اشاره کرد. در نتیجه پیشنهاد می‌شود پژوهشگران به بررسی اثربخشی تئاتر پداگوژیک بر کودکان سایر شهرها و یا حتی بر کودکان به تفکیک جنسیت بپردازند. همچنین استفاده از مرحله پیگیری برای بررسی تداوم اثر تئاتر پداگوژیک نقش مهمی در استفاده از این روش آموزشی دارد. بنابراین برای نتیجه‌گیری درباره اثربخشی تئاتر پداگوژیک بر هوش هیجانی و اجتماعی کودکان نیاز به پژوهش‌های بیشتری است.

منابع

- آشفته گوراب زرمخی، مریم و میرزمانی، سیدمحمود. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش نمایش خلاق بر اختلالات رفتاری و هوش هیجانی کودکان پیش‌دبستانی. چهارمین کنفرانس بین‌المللی نوآوری‌های اخیر در روانشناسی، مشاوره و علوم رفتاری. ۴۳۱-۴۳۷.
- ارغوانی فرد، حمیرا. (۱۳۸۵). بررسی تاثیر نقش‌آفرینی و فعالیت‌های نمایش خلاق کودکان پیش‌دبستانی بر تحول عاطفی-اجتماعی در منطقه یک تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- داداش‌زاده، سپیده و پیرخائفی، علیرضا. (۱۳۹۴). بررسی اثربخشی استفاده از روش‌های قصه‌گویی بر افزایش هوش اجتماعی دانش‌آموزان دختر مقطع چهارم و پنجم ابتدایی در سال ۹۰-۹۱. فصلنامه آموزش و ارزشیابی، ۸(۲۹): ۲۱-۲۹.
- سرسنگی، مجید و امینی، رحمت. (۱۳۸۸). تناثر تعلیمی-تربیتی (پداگوژیک): مطالعه‌ای تطبیقی. نشریه هنرهای زیبا-هنرهای نمایشی و موسیقی، ۳۹، ۷۹-۸۶.
- سیده، مینا. (۱۳۸۹). تناثر پداگوژی و کاردهای اجتماعی آن؛ پروژه عملی: کارگردانی نمایشی بر اساس طرحی از رمان پاییز پدرسالار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- صبوری، خیرقدم؛ عباسی، عفت و گرامی‌پور، مسعود. (۱۳۹۴). تاثیر نمایش خلاق بر رشد مهارت‌های حل مساله در دختران پیش‌دبستان استان تهران. فصلنامه مطالعات پیش‌دبستان و دبستان، ۱(۱)، ۵۵-۸۱.
- طاهری، آزاده؛ سهیلی، فریبا و پورشهریاری، مه‌سیمما. (۱۳۹۶). مقایسه هوش اجتماعی و همدلی با بیمار در دانشجویان پزشکی ایران و انگلستان: یک مطالعه‌ی میان فرهنگی. مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت، ۴(۱)، ۳۸-۵۰.
- عسگری، محمد؛ احمدی طهور سلطانی، محسن و یلفانی، ناهید. (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش نمایش خلاق بر خلاقیت دانش‌آموزان پیش‌دبستانی شهر همدان. فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۳(۴)، ۳۵-۵۴.
- مامی، شهرام و امیریان، کامران. (۱۳۹۵). تاثیر نمایش خلاق بر سازگاری اجتماعی، قضاوت اخلاقی و خلاقیت دانش‌آموزان. فصلنامه آموزش و ارزشیابی، ۹(۳۶)، ۷۵-۹۲.
- محمدخانی، شهرام و باش‌قره، رقیه. (۱۳۸۷). رابطه هوش هیجانی و سبک‌های مقابله‌ای با سلامت عمومی دانشجویان. فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی، ۲(۱)، ۳۷-۴۷.
- Bar-on, R., & Parleer, D. (2000). The handbook of emotion intelligence. San Francisco: Jossey-Bass Books.
- Below, A. V. (2016). Education for students of physiotherapy: how to learn empathy – a theatre pedagogy project – Bachelor thesis: is empathy teachable through theatre techniques. Physiotherapy, 102(1), 129-130.
- Brecht, B. (2011). Brecht on theatre: the development of an aesthetic. New York: John & Hill Publisher.
- Dalbudak, P. Z., & Koksai, A. A. (2015). Examination of the effect of drama education on multiple intelligence domains of children attending to 5TH grade. Education & Science / Egitim ve Bilim, 40(182), 143-158.
- Frankovsky, M., & Birknerova, Z. (2014). Measuring social intelligence: the MESI methodology. Asian Social Science, 10(6), 90-94.

- Fromm, R. (2015). Theatre and emotional intelligence. Senior Thesis, United States: Northwestern University.
- Hendon, M., Powell, L., & Wimmer, H. (2017). Emotional intelligence and communication levels in information technology professionals. *Computers in Human Behavior*, 71, 165-171.
- Kelly, E. J., & Kaminskiene, N. (2016). Importance of emotional intelligence in negotiation and mediation. *International Comparative Jurisprudence*, 2(1), 55-60.
- Kozlowski, D., Hutchinson, M., Hurley, J., & Browne, G. (2018). Increasing nurses' emotional intelligence with a brief intervention. *Applied Nursing Research*, 41, 59-61.
- Ling, S., Raine, A., Gao, Y., & Schug, R. (2018). The mediating role of emotional intelligence on the autonomic functioning – Psychopathy relationship. *Biological Psychology*, 136, 136-143.
- Li, Y., Chen, H., Liou, J., & Lin, L. (2014). Creating social intelligence for product portfolio design. *Decision Support Systems*, 66, 123-134.
- Loflin, D. C., & Barry, C. T. (2016). You can't sit with us: Gender and the differential roles of social intelligence and peer status in adolescent relational aggression. *Personality and Individual Differences*, 91, 22-26.
- Maltese, A., Alesi, M., & Alu, A. G. M. (2012). Self-esteem, defensive strategies and social intelligence in the adolescence. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 69, 2054-2060.
- Mikolajczak, M., & VanBellegen, S. (2017). Increasing emotional intelligence to decrease health-care expenditures: How profitable would it be? *Personality and Individual Differences*, 116, 343-347.
- Rahim, M. A., Civelek, I., & Liang, F. H. (2015). A model of department chairs' social intelligence and faculty members' turnover intention. *Intelligence*, 53, 65-71.
- Schutte, N. S., Malouff, J. M., Hall, L. E., Haggerty, D. J., Cooper, J. T., & et al. (1998). Development and validation of a measure of emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 25, 167-177.
- Silvera, D., Martinussen, M., & Dahl, T. I. (2001). The Tromso social intelligence scale, a self-report measure of social intelligence. *Scandinavian Journal of Psychology*, 42(4), 313-319.